

## ویژه کارکنان شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا

### شهر خلاق

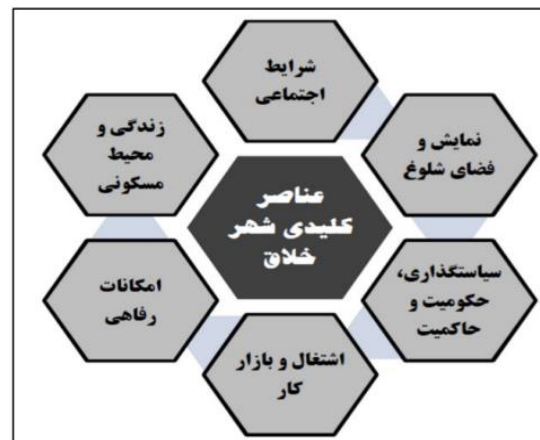
با افزایش شمار شهرها و گسترش وسعت آنها به دلیل صنعتی شدن تولید، که افزایش جمعیت شهرنشین را به همراه داشته است، مسائل و مشکلات شهرها بیشتر و پیچیده تر شده اند. امروزه گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در شهرها ساکن هستند که طبیعتاً شیوه‌های زیست و اشکال مصرف متفاوتی داشته و موجب تنوع در شهرها شده اند. این گروه‌ها و طبقات هرکدام سبک زندگی مخصوص خود را دارا هستند و از این رو، تنوعی فرهنگی به شهر بخشیده و فضاهای شهری متفاوت و طیف گوناگونی از خدمات را خواستار اند. هم‌زمان، با گسترش اقتصاد سرمایه داری بر شکاف طبقاتی افزوده شده و ثروت به صورت نامتوازنی بین گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی توزیع می‌شود. به خصوص این شکاف در کشورهای عمیقتر است که کمتر به ضرورت‌های زیست اجتماعی و نهادهای مرتبط با آن تن می‌دهند. به طوریکه عمده ثروتی که اجتماعاً تولید شده است، در جیب شمار اندکی از افراد می‌رود. علاوه بر آن، بحران‌های ناشی از تضاد درونی نظام سرمایه داری، هرازگاهی، مشکلات اقتصادی شدیدی را به وجود آورده است که به نظر می‌رسد که بیش از هرجا، خود را در رکود کسب و کارهای کوچک شهری نشان می‌دهد.

باور جامعه‌شناسان بر این است که اعضای طبقه‌ی متوسط جدید شهری، به هنگام بحران‌های اقتصادی عمدتاً دو گرایش کلی پیدا می‌کنند. **گروه یا لایه‌ی بالایی این طبقه مانند مدیران رده بالا** که حقوق و مزایای بالایی دریافت می‌کنند منافع خود را هم راستا با قدرت حاکم می‌یابد؛ و **گروه یا لایه پایینی آن**، گرایش‌های رادیکال پیدا می‌کنند. گروه دوم، برای نظام سرمایه داری به عنوان یک خطر بالقوه شناسایی می‌شود که باید از رادیکال شدن آنها جلوگیری کرد. همین **گروه دوم است که هدف سیاست‌های رویکرد شهرخلاق است.**

عمده‌ترین هدف رویکرد شهرخلاق که بر مفهوم طبقه‌ی خلاق نیز تکیه دارد، جلوگیری از رادیکال شدن همین لایه‌ی پایینی طبقه‌ی متوسط شهری است. به ویژه آنکه در کشورهای صنعتی پیشرفته که صنایع بزرگی که نیروی کار انسانی زیادی می‌برند را به خارج از مرزهای خود هدایت کرده‌اند و بر حوزه‌های دانش بنیان اقتصادی تکیه‌ی بیشتری داشته و میدان فعالیت‌های خدماتی در آنها وسیع است طبقه‌ی متوسط جدید، پر شمارترین گروه اجتماعی است و برنامه‌ریزی برای ممانعت از لطمه خوردن به اشتغال و درآمد آنها ضرورت می‌یابد. از آنجا که فرهنگ، موضوع نزاع طبقات و گروه‌های اجتماعی است و از لحاظ سبک زندگی، طبقه‌ی متوسط میل به مصرف فرهنگی و بیان تمایزات خود با سایر طبقات از طریق مصرف دارد، رویکرد شهرخلاق بر آن است که با تعریف و بهره‌گیری از مفاهیم و رویکردهایی همچون «صنایع فرهنگی»، «صنایع خلاق»، «مشاغل فرهنگی»، «طبقه‌ی خلاق» و مانند آن، اقتصاد شهری پرنشاط و پویاتری ایجاد کند تا در هنگام بحران‌های اقتصادی، از رادیکال شدن گرایش‌ها و افکار این گروه‌ها جلوگیری شود.

در مورد موضوع خلاقیت و مفهوم طبقه‌ی خلاق، لازم به تأکید است که همه‌ی افراد خلاق هستند. مساله آن است که تا چه اندازه به همه‌ی افراد به یکسان فرصت داده می‌شود تا ایده‌پردازی کرده و ایده‌های خود را اجرایی نمایند این افراد زمانی محرک و انگیزه‌ی لازم برای خلق ایده‌های نو و خلاق را خواهند داشت که کمترین موانع و محدودیت‌ها در برابر

شناخت، بیان اندیشه و عمل آنها وجود داشته باشد. فضای شهری به عنوان عرصه‌ی حیات مدنی، فضای تعامل و بی‌ان آزادانه‌ی اندیشه‌ها است. در چنین فضایی است که به طور پیوسته برای افراد جامعه، مشکلات در چارچوب مسائل جدیدی قابل طرح است و با به وجود آمدن انگیزه، افراد در راستای حل آن فرضیه‌سازی می‌کنند و با آزمودن آزادانه‌ی فرضیات شان، پاسخی برای پرسش‌هایشان می‌یابند و **فرهنگ** را می‌آفرینند و یا آن را تغییر می‌دهند. بنابراین، یک فضای شهری خلاق، باید یک فضای تولید و بستر آزادی عمل و به فعل درآمدن ایده‌های خلاق باشد.



شکل ۳- عناصر شهر خلاق

